

رکوردداران کاپیتانی تیم ملی

تخت شهریار

در تمام رشته‌های ورزشی، حتی رشته‌هایی مثل کشتی یا وزنه‌برداری که قهرمانان در هر وزن به صورت انفرادی به نمایندگی از تیم یا کشورشان به صحنه می‌روند، هر جا صحبت از تیم یا یک دسته و گروه می‌شود بلافاصله کلمه کاپیتان هم به گوش می‌رسد. در دنیای ورزش آماتور، کاپیتان احترامی بیش از بقیه در نظر مردم و رسانه‌ها داشت. در باشگاه حرفش را بیشتر می‌خریدند و مربیان نمی‌توانستند بدون اعتنا به نظر او تصمیمات مهمی بگیرند. بازیکنان نیز خواسته‌ها و درد دل‌هایشان را به کاپیتان می‌گفتند و او را به باشگاه و بازیکنان و هواداران بود. حرفش حرف کل تیم تلقی می‌شد و رسانه‌ها نیز بیشتر سراغ او می‌رفتند. اما در دنیای ورزش حرفه‌ای که دستمزدها از کلیه مشاغل دیگر در هر جامعه‌ای بیشتر است، پای پول هم به میان آمده و حالا کاپیتان سوای تمام آنچه از ورزش آماتور به او اورت رسیده، دستمزدی هم بابت کاپیتانی می‌گیرد. مجموعه همین دلایل باعث شده تا کاپیتانی تبدیل به سوژه‌ای مهم در ورزش جهان شود و پرونده این هفته ما باشد. با این توضیح که در این فرصت تنها به رشته فوتبال و تیم ملی کشورمان می‌پردازیم و سایر تیم‌ها و رشته‌ها بماند برای فرصتی دیگر.

برادران مجیدی و یک تکه پارچه!



هنوز هم جمله معروف فرهاد مجیدی نقل محافل ورزشی است که در مورد علیرضا منصوریان و در توضیح اینکه چرا آیش یا او به یک جوی نمی‌رود، گفت: «به خاطر یک تکه پارچه زندگی برادرم را خراب کرد». داستان به بازوبند کاپیتانی استقلال برمی‌گشت؛ سال‌هایی که فرزاد مجیدی فیکس بود و منصوریان در اواخر دوران فوتبالش خیلی بازی نمی‌کرد. پس بازوبند به بازوی مجیدی بسته می‌شد و فرهاد معتقد بود به خاطر مشورت منصوریان، فرزاد مجبور به ترک استقلال و رفتن به استیل آدین شده و همین کار فوتبال او را زودتر تمام کرده است. می‌بینید که کاپیتانی آنقدر اهمیت دارد که حتی می‌تواند منجر به پایان فوتبال یک نفر شود...

کاپیتان‌ها از دیرباز تمام آنچه را در ورزش کسب می‌کردند تا پایان زندگی حفظ می‌کردند و هنوز هم می‌بینیم که وقتی مثلاً پیشکسوتان استقلال و پرسپولیس یا هر تیمی دیگر جایی جمع می‌شوند، قدر و منزلت کاپیتان‌ها را کاملاً مشخص می‌کند. آنها به نمایندگی از بقیه حرف می‌زنند و نظرانشان را به باشگاه‌ها منتقل می‌کنند. برای آنها که بازی می‌کنند هم کاپیتانی خیلی فراتر از گلزنی حتی در فینال جام حذفی یا دربی است! کاپیتان است که جام قهرمانی را بالای سر می‌برد، حتی اگر روی نیمکت نشسته باشد. عمده فعالیت کاپیتان‌ها در فصل نقل و انتقالات است، چرا که با مشورت آنها بازیکنان جدید جذب و بازیکنان قدیمی کنار گذاشته می‌شوند.



رکوردداران

در رأس جدول رکوردداران کاپیتانی در تاریخ تیم ملی ایران «علی دایی» قرار دارد. مردی که ۱۴۹ بازی ملی کرد و وقتی بازنشسته شد همزمان صاحب هر سه رکورد اصلی تاریخ تیم ملی بود. رکورد بازی، رکورد گلزنی - که البته رکورد جهانی هم بود و بعدها توسط رونالدو شکست - و رکورد کاپیتانی...

بازوبند یا بیلبورد؟



در همین جام جهانی اخیر دیدیم که فیفا با بستن بازوبندی که روی آن شعارهای سیاسی یا حمایت از گروه‌های خاص بود، مخالفت کرد. بازوبند را معمولاً روی بازوی چپ می‌بندند اما بازیکنانی هستند که برای تمایز با دیگران آن را روی بازوی راست خود می‌بندند. شکل بازوبند هم کاملاً متفاوت است و برای خودش دنیایی دارد! برخی‌ها رنگ پرچم کشورشان و برخی دیگر آرم باشگاه را روی بازوبند دارند و گروهی دیگر از سازه‌های دیگری از بازوبند استفاده می‌کنند؛ گاه یک نوار باریک و گاه پارچه‌ای عریض که از هر فاصله در زمین مشخص است.

امروز کاپیتان‌ها با بستن یک بازوبند بر بازوی خود پیشاپیش سایر بازیکنان به میدان می‌آیند. در برخی رشته‌ها نمادی برای کاپیتانی وجود ندارد، مثلاً در والیبال یا بسکتبال کاپیتان مثل بقیه بازیکنان لباس می‌پوشد اما از داور تا مربیان و بازیکنان و تماشاگران همه می‌دانند کاپیتان تیم کیست! به همین دلیل وقتی قرار به صحبت با داور باشد، کاپیتان جلو می‌رود و داور هم اخطار یا تذکر نمی‌دهد. چرا که این یکی از وظایف کاپیتانی است که می‌تواند با داور به نمایندگی از تیم درون زمین صحبت کند. اما در فوتبال این بازوبند خود امروز داستانی شده!

داستان وریا و سید جلال



نمی‌شود این مقدمه را بدون اشاره به کاپیتان‌های بزرگ دو تیم بزرگ در سال‌های اخیر تمام کرد. در پرسپولیس سید جلال حسینی به واسطه اعتبار کاپیتانی تا ۴۰ سالگی بازی کرد و پس از آن هم وارد کادرفنی شد. اکنون بدون آنکه کلاس‌های مربیگری را پشت سر بگذارد و مدرک داشته باشد و بدون اجازه نشستن روی نیمکت در بازی‌های رسمی، مربی این تیم بزرگ است اما سرنوشت کاپیتان استقلال دقیقاً برعکس سید جلال شد. وریا از این تیم رفت و تنها یک فصل در فولاد دوام آورد... در پیشینه تاریخی از هر دو مدل فراوان وجود دارد، از افشین پیروانی یا احمد عابدزاده یا علی دایی و بزرگانی دیگر که وقتی از تیم بزرگ رفتند، انگار دیگر به پایان راه رسیدند.

توهین بزرگ شیت رضایی



در بحث بستن بازوبند ذکر یک نکته الزامی است و آن اینکه نوع و جای بستن بازوبند می‌تواند نشانه احترام یا توهین تلقی شود. زمانی که شیت رضایی کاپیتان پرسپولیس بود در یک مسابقه و پس از آن که تیمش چند گل عقب افتاد، بازوبند کاپیتانی را از روی بازو تا روی مخ پایین آورد و بخاطر همین کارش هنوز بعد از دو دهه در مورد او صحبت می‌شود و خیلی از هواداران پرسپولیس او را نبخشیده‌اند! شیت می‌خواست با این کار به همبازیانش اعتراض کند که بد بازی کرده‌اند و کاپیتانی این تیم افتخار نیست اما نتیجه برعکس شد و خودش به دلیل بی‌احترامی به بازوبند سیبل هواداران شد!

سلطان جباری و بازوبند دوخته روی لباس!



پیروانی در لیگ سوم به زمین می‌رفت. اما داستان سلطان آبی‌ها؛ استقلال‌ها لقب سلطان را متعلق به خود و شماره ۸ نامدارشان علی جباری می‌دانند و معتقدند که علی پروین سلطان اصلی فوتبال نیست! علی جباری هافبک ملی‌پوش و گلزن بزرگ استقلال در دهه چهل و پنجاه شمسی آنقدر جایگاه بالایی داشت که وقتی برایش لباس آماده می‌کردند، بازوبند را به صورت اتوماتیک روی بازوی لباسش می‌دوختند! به عبارت دیگر علی جباری از بازوبند کشی یا چسبی استفاده نمی‌کرد و بازوبند جزئی از لباسش بود!

این نکته را هم به شکل پراگماتیسم در این بخش در نظر بگیرد. کاپیتان‌ها آنچنان در ذهن هواداران و بازیکنان و تیم‌ها جاودانه می‌شوند که حتی بدون بازوبند هم صاحب احترام هستند و در نظر دیگران انگار همیشه بازوبند دارند! جواد نکونام در بازگشت به ایران کاپیتان استقلال نشد. احمدرضا عابدزاده در حضور فرشاد پیوس و مجتبی محرمی یا حسین عیدی کاپیتان پرسپولیس محسوب نمی‌شد اما احترامی همسطح و همپای کاپیتان داشتند. آنها در تیم ملی کاپیتان بودند اما در تیم باشگاهی خود خیر، را علی دایی که پشت سر

روش‌های انتخاب کاپیتان

مبحث کاپیتانی آنقدر مهم هست که در دنیا به روش‌های مختلف دست به انتخاب کاپیتان می‌زنند. در یونان سلیگا این بازیکنان هستند که کاپیتان تیم را با رأی گیری خود انتخاب می‌کنند. یکبار در پرسپولیس هم این اتفاق افتاد و علی دایی بازوبند را از همین روش به سپهر حیدری داد. در انگلستان کاپیتان توسط سرمربی انتخاب می‌شود. مربی هر بازیکنی را که واجد ویژگی‌های رهبری ببیند به‌عنوان نماینده خود و کاپیتان در زمین انتخاب می‌کند. در برخی کشورها که فوتبال چندان توسعه یافته نیست بازوبند کاپیتانی را به نامدارترین بازیکن خود می‌دهند تا او الگویی باشد برای مردم جهان در شناخت آن کشور. وقتی ترینیداد و توباگو برای اولین و آخرین بار به جام جهانی ۲۰۰۶ صعود کرد دوایت یورک به‌عنوان

فلسفه بازوبند، مدیون تلویزیون

بازوبند کاپیتانی از کجا آمد؟ تا قبل از ورود جعبه جادویی به عرصه مسابقات ورزشی و فوتبال، یعنی در زمانی که این رشته صرفاً یک رشته ورزشی بود و این همه تبعات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نداشت، کاپیتان یکی بود مثل بقیه بازیکنان. درست مثل بسکتبال و والیبال اما از زمانی که پخش تلویزیونی جزو لاینفک مسابقات فوتبال شد، فیفا به خاطر نیاز بینندگان مجبور به اعمال تغییراتی در قوانین این رشته شد. تا آن زمان داوران چیزی به نام کارت زرد و قرمز نداشتند. تعویض‌ها هم به شکل امروزی نبود و بازوبند کاپیتانی هم بعد از آن به وجود آمد تا دلیلی باشد که بینندگان تلویزیونی و تماشاگران حاضر در ورزشگاه و داوران، همه فرد مسئول و نماینده تیم را بشناسند. در لحظات حساس

دهداری معلم اخلاق

در فوتبال ایران لقب پرویز دهداری معلم اخلاق است. بزرگ شاهین که درس و اخلاق را فراتر از توانایی‌های ورزشی می‌دانست. کسی که وقتی هر سه تعویضش را کرده، بازیکنی را به این دلیل که به بازیکن حریف لایی زده و مقابل چشم هموطنان و اعضای خانواده‌اش در ورزشگاه او را شرمند کرده بیرون می‌کشد و ۱۰ نفره

ادامه می‌دهد.

پس از بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ وقتی بازیکنان بزرگ تیم ملی به خاطر مخالفت با دهداری استعفا دادند، او تیمی جوان تشکیل داد که هیچکدام سابقه‌ای در سطح اول هم نداشتند چه رسد به تیم ملی. وقتی تیم می‌خواست در نخستین بازی به میدان برود او میراحمدیان را کاپیتان

گذاشت.

از این استثناها باز هم داریم، بازیکنانی که در اولین بازی ملی خود کاپیتان تیم ملی شدند. از نسل اول و نخستین تیم ملی که تنها بازی ملی‌شان را انجام دادند اگر بگذریم، در دنیای فعلی نادر میراحمدیان و مارکار آقاجانیان بهترین مثال‌ها برای این موارد هستند. مارکار

آقاجانیان هم که در حضور بسیاری ملی‌پوشان در پاس بازوبند کاپیتانی را برای سال‌ها می‌بست، وقتی برای تقدیر از زحماتش به تیم ملی دعوت شد در هردو بازی بازوبند را هم بست.

